



مجلس تعزیه

۱



آمد پدر با شال مشکی
پرچم سیاهی داشت در دست

۲



سریند یا عباس را او
بر روی پیشانی من بست

۳



باید شود خانه، عزادار
با نصب پرچم روی دیوار

۴



می گفت باز از راه آمد
ماه محرم ماه ایثار

۵



من هستم و مادر، پدر هم
مداح خوب مجلس ماست

۶



امسال توی خانه ما
یک مجلس تعزیه برپاست



مهدیه
حاجی زاده
ریحانه
بهشتی